

چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری و راهکارهای برون رفت از آن

ابوذر رجبی¹

چکیده

هدف: در منظومه فکری رهبر انقلاب، تعصب و جمود، از آسیبهای خطرناک در پژوهشهای علمی به حساب می آید. هدف از انجام این تحقیق، کشف دیدگاه مقام معظم رهبری درباره تحجّر علمی، چستی، ابعاد و پیامدهای آن بود. از اهداف دیگر آن، روگردانی از موانع توسعه علمی کشور و به خصوص تحول بنیادین در علوم انسانی بود. **روش:** در این تحقیق با روش تبیینی - تحلیلی، ضمن اکتشاف نظرات رهبر انقلاب درباره تحجّر علمی، به بایدها و نبایدهای نواندیشی علمی اشاره شد. روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای و در استکشاف دیدگاه، از توصیف تبیین بهره برده شد. **یافته‌ها:** مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، دانش آشکارترین وسیله عزت و قدرت یک کشور دانسته شده و نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش اعلام شده است. لذا برای تحقق امور یادشده باید از هنجارها و ناهنجارها، بایدها و نبایدهای لازم در حوزه علم و دانش مطلع باشیم. تحجّر علمی یکی از این ناهنجارهاست که باید از آن برحذر ماند. بر اساس یافته‌های تحقیق، تولید علم نیازمند جرأت نوآوری داشتن و رهایی از قید و زنجیرهای جزمی‌گرایی و تحجّر‌گرایی علمی دانسته شد. **نتیجه‌گیری:** از میان عناصر دخیل در اخلاق پژوهش، اجتناب از تحجّر علمی است. آسیبهای متعددی برای این ناهنجاری اخلاقی بیان شد که رکود، رخوت، سکون علمی و مقابله با هر چیز نو و بدیع از مهم‌ترین آنها بودند.

واژگان کلیدی: اخلاق علم، تحجّر علمی، رکود، نواندیشی علمی، مقام معظم رهبری.

◇ دریافت مقاله: 99/03/01؛ تصویب نهایی: 99/06/23.

1. دکترای مدرسی معارف اسلامی (گرایش مبانی نظری اسلام)، استادیار گروه مبانی نظری اسلام، دانشگاه معارف اسلامی / نشانی: قم؛ خیابان جمهوری اسلامی، بین کوچه 4 و 6، دانشگاه معارف اسلامی / شماره: 025321101 / Email: Rajabi@maaref.ac.ir

الف) مقدمه

«اخلاق علم» به عنوان یکی از حوزه‌های اخلاق کاربردی به هنجارهای لازم در عرصه علم، تحقیق و پژوهش می‌پردازد و ناهنجاری‌های اخلاقی را در این زمینه بیان می‌دارد. عدم توجه به معرفت علمی و تلاش عالمان، نادیده انگاشتن ابزارهای لازم در کسب معرفت، استفاده ناصحیح از علم و ناآگاهی به کاربرد صحیح علوم، از جمله ناهنجاری‌های حوزه اخلاق علم است که با عنوان تحجّر علمی مطرح می‌شود. به تعبیر دیگر؛ در فعالیت علمی، چه در مقام تعلیم و چه تعلّم، به گونه‌ای تصمیم و قضاوت مطرح و مسئله مسئولیت اخلاقی خودبه‌خود طرح می‌شود. مسئولیت اخلاقی در عرصه علم و پژوهش با بایدها و نبایدهایی همراه است که اجتناب از تحجّر به عنوان ناهنجاری اخلاقی یکی از آنهاست. دوگانه‌های اخلاقی در فعالیت علمی، امری روشن است و اینجاست که مسئولیت اخلاقی خود را نشان می‌دهد. مواجهه با چالشهای اخلاقی و دوری از آنها، امری است که از محقق منصف انتظار می‌رود.

مسئله یادشده، در منظومه فکری رهبر معظم انقلاب به گونه‌های مختلف خود را نشان داده است. بحث توجه به علم و تولید دانش از مواردی است که نزد ایشان جایگاه ویژه‌ای دارد. در بیانیه گام دوم نیز این امر خود را به صراحت نشان می‌دهد: «دانش، آشکارترین وسیله عزّت و قدرت یک کشور است. روی دیگر دانایی، توانایی است. دنیای غرب به برکت دانش خود بود که توانست برای خود ثروت و نفوذ و قدرت دوست‌ساله فراهم کند و با وجود تهیدستی در بنیادهای اخلاقی و اعتقادی، با تحمیل سبک زندگی غربی به جوامع عقب‌مانده از کاروان علم، اختیار سیاست و اقتصاد آنها را به دست گیرد. ما به سوء استفاده از دانش مانند آنچه غرب کرد، توصیه نمی‌کنیم، اما مؤکداً به نیاز کشور به جوشاندن چشمه دانش در میان خود اصرار می‌ورزیم». (بیانیه: 1397/11/22)¹

فقره یادشده، ناظر به اخلاق علم است و از بایسته‌ها و نبایسته‌ها در این حوزه یاد می‌کند. البته صراحت مستقیم در این جمله، درباره تحجّر علمی نیست؛ اما با مفهوم‌گیری از موارد طرح شده، می‌توان به مسئله تحجّر علمی رسید. اگر رسیدن به عزت و قدرت کشور، دستیابی به علم و دانش است و باید به جوشاندن آن در میان نهادهای علمی اقدام کرد، نقطه مقابل این نواندیشی، اجتناب از آسیبهای آن، از جمله تحجّر علمی است. «آنها علم را پیش بردند - البته کار مهم و بزرگی بود - اما جدای از اخلاق و معنویت بود و شد آنچه که شد. ما می‌خواهیم علم با اخلاق پیش برود» (سخنرانی: 1376/6/19). در منظومه فکری مقام معظم رهبری به روشنی می‌توان به نواندیشی و اصول و مؤلفه‌های آن در حوزه بایسته‌ها و در مقابل از نبایدهای آن در حیطه نبایسته‌ها رسید. رهبر انقلاب در گام اول انقلاب نیز در فرمایشات متعدد به مسئله اخلاق علم و

1. در ارجاعات و یادکرد مطالب مقام معظم رهبری از آنجاکه همه آنها از سایت مقام معظم رهبری است، صرفاً به تاریخ آنها و سخنرانی و نامه و بیانیه در متن اکتفا می‌شود.

هنجارها و ناهنجاری‌های علمی توجه ویژه داشته‌اند. نواندیشی علمی زمانی صورت می‌گیرد که عالم از شهامت و جرأت علمی برخوردار باشد و از تحجّر و جمودگرایی فاصله بگیرد. این امر برای تحول علوم به خصوص در حوزه علوم انسانی ضرورت بیشتری دارد. توجه به نواندیشی علمی و جرأت و جسارت در طرح نظرات جدید برای اداره یک جامعه و کشور لازم است. (سخنرانی: 1379/12/9)

در عرصه نواندیشی علمی، باید از تعصب و جمود بر نظریه گذشتگان فاصله گرفت، تا شرایط تحقیق علمی در شرایط و فضایی باز برای محقق فراهم شود. معمولاً تحجّر علمی را نشانه افرادی می‌دانند که از فضای علمی فاصله دارند و با رویکرد سنتی به مسائل می‌نگرند؛ در صورتی که مقام معظم رهبری اتفاقاً از آسیبهای جدی جریان روشنفکری و غربزدگی، مسئله تحجّر را مطرح می‌کنند: «استاد و دانشجو باید از قید و زنجیر جزمی‌گری تعریفهای علمی الفها شده و دائمی دانستن آنها خلاص شوند.» (همان)

در کنار ضرورت توجه به آسیب مهم تحجّر علمی، می‌توان از مسئله مرجعیت علمی یاد کرد. هم در فرمایشات مقام معظم رهبری و هم در سند چشم‌انداز علم و فناوری جمهوری اسلامی ایران در افق 1404، مسئله پیشتاز در مرزهای دانش و فناوری با مرجعیت علمی در جهان آمده است. این امر نیازمند بایسته‌های فراوان و دوری از آسیبهایی است که از مهم‌ترین آنها مسئله تحجّر علمی است.

از دیگر ضرورت‌های توجه به این مسئله، نکته‌ای است که مقام معظم رهبری برای مسئله تحول مدیریتی کشور مطرح کرده‌اند. ایشان تربیت متخصصان متعهد، خلاق، متخلّق، ماهر و کارآفرین را از الزامات بایسته در این عرصه می‌دانند¹ (سخنرانی: 1389/7/29). متخلّق بودن در ابعاد مختلف و از جمله اخلاق علمی است و در حیطه اخلاق علم قطعاً از مسئله مهم تحجّر علمی و دوری از آن باید یاد کرد.

سؤال اصلی تحقیق آن است که ماهیت تحجّر علمی از نظر رهبر انقلاب چیست؟ در کنار آن به این پرسشها نیز پاسخ داده خواهد شد: واژگان همنشین و قریب‌المعنا با تحجّر علمی چیست؟ مصادیق تحجّر علمی کدام‌اند؟ منشأ و خاستگاه آن چیست؟ آسیبهای تحجّر علمی، راهکارهای مقابله با آن در منظومه فکری آیه‌الله خامنه‌ای کدام‌اند؟

مبتنی بر فرضیه تحقیق، جمود و تحجّر علمی، به خصوص در محیط‌های علمی، مشکلات جدی به دنبال خواهد آورد.

1. در این سخنرانی، رهبر معظم انقلاب هم ناظر به تربیت انسان مبتنی بر علوم انسانی غربی متذکر می‌شوند و هم تأکید بر تربیت مدیران صالح مبتنی بر منابع دینی دارند.

ب) روش تحقیق

این مقاله، دیدگاه رهبر معظم انقلاب درباره تحجّر علمی را از طریق تحلیل محتوا و مستند به نگاه معظم له مندرج در سایت رسمی ایشان، به روش تحلیلی توصیفی دنبال می‌کند.

ج) پیشینه تحقیق

درباره اصل تحجّر، چند اثر مستقل به نگارش درآمده است؛ از جمله: سیمولوژی تحجّر (عرفانی، فر، 1397)، خمود و جمود (سفنیدیاری، 1382)، التقاط و تحجّر از دیدگاه شهید مطهری (آزینی، 1369)، خرافات تحجّر و نوگرایی دینی (سلیمی، 1384) و جمود و خشونت (پژوهشی پیرامون جریان خوارج در نهج البلاغه) (محمود صلواتی، 1379) که به کلیاتی از مباحث ناظر به تحجّر اشاره می‌کنند؛ اما هیچ یک به شکل مستقل به تحجّر علمی نپرداخته‌اند و اشاره‌ای حداقلی به اصل آن دارند. عمده این چند کتاب درباره تحجّر دینی و فقهی و سیاسی، گاهی به شکل کلی و گاهی به صورت بسترشناسی تاریخی مطالبی را مطرح می‌کنند. ضمن اینکه به مسئله اصلی این تحقیق؛ یعنی استخراج و اکتشاف مسئله تحجّر علمی در منظومه فکری رهبر انقلاب اشاره‌ای ندارند. مقالاتی نیز در حوزه تحجّر نوشته شده است که با این تحقیق تفاوت دارند؛ از جمله: «آفات و پیامدهای تحجّر گرایی» (اصغری، 1390) که به آسیب‌شناسی تحجّر دینی پرداخته است. «تحجّر و تحجّر گرایی در منظومه فکری امام خمینی (ره)» (شیرخانی و رجائی‌زاد، 1392) که بر تحجّر سیاسی و فکری تمرکز دارد. «تحجّر گرایی در گستره تاریخی از منظر شهید مطهری» (نوابی، 1390) که مانند مقاله قبل، تحجّر دینی را در بستر تاریخی از دیدگاه استاد مطهری دنبال می‌کند. همان‌طور که اشاره شد، در این مقالات و برخی از آنها که در این مجال ذکر از آنها به میان نیامد، هیچ اشاره‌ای به تحجّر علمی نشده است.

د) مفهوم‌شناسی

1. تحجّر

«تحجّر»¹ واژه‌ای عربی از ماده «حجر»² به معنای سنگ شدن یا سنگوارگی، سخت شدن و به صورت سنگ در آمدن است. جامد شدن، بسته شدن، فسرده شدن، واپسگرایی را در فرهنگهای فارسی برای این لغت آورده‌اند (دمخدا، 1377). عدم انعطاف‌پذیری در برابر تغییر و تحولات نیز به معنای تحجّر دانسته شده

1. Petrification

2. ماده حجر به معنای سنگ و حجر و حجر مصدر به معنی بازداشتن و تحجّر، مثل سنگ سخت شدن (زمخسری، 1979: 114) و سنگگیری کردن تحجّر عَلَیْهِ به معنای سخت گرفت. (فیروزآبادی، 1415، ج 2: 55، زبیدی، 1414، ج 6: 249)

است (نوری، 1381). در اصطلاح، از همان معنای لغوی قرض گرفته شده و آن را به معنای جمودی و خمودی، ایستایی و عدم تحرک فکری به کار می‌برند. در واقع؛ اگر سنگ خصوصیت سفت و سختی دارد، انسان متحجر هم مانند سنگ، از خود سختی نشان داده و در برابر پذیرش قول حق مقاومت به خرج می‌دهد. این امر تا جایی پیش می‌رود که فرد دارای چنین خصوصیتی بر دیدگاه خود چنان ایستایی و پافشاری دارد که در مقابل هر نوع دگرگونی و تحول مقابل دیدگاه خود واکنش نشان می‌دهد و عمدتاً دیدگاه مقابل را نه تنها نفی، بلکه متهم به بدعت و کفر می‌کند (جمعی از نویسندگان، 1381: 88-87). ممکن است فرد متحجر ادله روشنی هم در پذیرش دیدگاه خود ارائه کند، اما نکته مهم این است که برای پذیرش ادله عقلانی و مفید ارائه شده از سوی مقابل خود سرسختی نشان می‌دهد (حر عاملی، 1376: 45).¹ یکی از محققان در تعریف اصطلاحی تحجر این گونه می‌نویسد: «بسته‌ذهنی، تنگ‌نظری و داشتن اندیشه راکد و ساکن است و به کسی جامدالفکر یا متحجر گفته می‌شود که اندیشه پویا و سیالی نداشته، خشک‌مغز و فاقد بصیرت و درایت باشد». (سفندیاری، 1382: 69)

معنای یادشده، در قرآن کریم هم برای مشرکان و منکران حقایق به کار رفته است؛ افرادی که از حقایق روی برتافته و قلوبشان همچون سنگ شده و به هیچ وجه زیربار پذیرش حق نمی‌روند (بقره: 74). به تعبیر یکی از مفسران، قرآن کریم از دلی که حرکت نکند و اهل نظر و اندیشه الهی نباشد، با تعبیر «متحجر» و «لاهی» یاد می‌کند. (جوادی آملی، 1387: 275)

بر اساس تحلیل روابط معنایی می‌توان برای فهم بهتر معنای تحجر به واژه‌های هم‌نشین و قریب‌المعنای تحجر نیز مراجعه کرد. تعصب، تصلب و قشری‌گری، برخی از این هم‌نشینان به حساب می‌آیند. البته با کلیدواژه‌های دیگری مانند حمیت، جمود، خمود، واپسگرایی نیز می‌توان این بحث را پی گرفت؛ اما به سبب محدودیت در این تحقیق به چند واژه اشاره می‌شود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

1. تعبیر شیخ حر عاملی این است: «التحجر هو الامتناع من الطریقه المفیده العقلانیه مهما کانت معضده بحجج واضحه».



نمودار واژگان هم‌مشتب و قریب‌المعناى تحجّر

تعصب: تعصب و عصبیت از واژه «عصب» به معنای رگ و پی‌هایی است که مفاصل را به هم ارتباط می‌دهند (راغب اصفهانی، 1412: 568؛ قرشی، 1371، ج 5: 5). ابن منظور عصبیت را از «عصبه» دانسته که به معنای خویشاوندان پدری است که فرد در پی آن شخص و به دنبال طرفداری و دفاع از قوم و قبیله خود است (ابن منظور، 1414، ج 1: 602). اینکه وابستگی و به هم پیوستگی را در اجتماع تعصب می‌گویند، به همین سبب است. (مصطفوی، 1360، ج 8: 144)

البته تعصب را باید به دو قسم خوب و بد تقسیم کرد. تعصب بد نیز انواعی دارد که رایج‌ترین آن تعصب جاهلی است: «تعصب جاهلی بد است. عصبیتی که از روی جهالت نباشد، خیلی هم خوب است» (سخرانی: 1369/5/24). در رأس متعصبین جاهلی، ابلیس و شیطان بزرگ آمریکا قرار دارند. «تعصب به معنای پایبندی بی‌منطق است. عُصبه یا عُصبه؛ یعنی پایبندی به خویشاوندان یا به گروه و جناح - حالا از هر ماده‌ای که گرفتیم - این، معنای تعصب است؛ اینها بیشتر به این پایبندند تا ماها» (سخرانی: 1395/6/1)

گاهی تصلب هم معادل تعصب و تحجّر به کار می‌رود (راغب اصفهانی، 1412: 221). تصلب هم به معنای سختی، محکم شدن و سخت شدن به کار می‌رود (قرشی، 1371، ج 4: 139) که با معنای یادشده از تعصب یکسان است.

جمود: عرب به سکون و انجماد آب، جمود می‌گوید (فراهیدی، 1421، ج 6: 89؛ ابن منظور، 1414، ج 3: 129؛ ابن فارس، 1404، ج 1: 477؛ قرشی، 1371، ج 2: 47). اهل لغت آن را به معنای سختی و سفتی و محکم هم به کار می‌برند (ابن منظور، همان؛ فراهیدی، همان). گاهی به کسی که اشک چشم او خشک شود هم جامد می‌گویند (ابن)

منظور، همان) و همین خشکی چشم را گاهی سرایت داده، به فردی که خشک‌فکر یا خشک‌مغز باشد هم گفته می‌شود جمود دارد (همان: 131). در اصطلاح، معنای لغوی دخالت جدی دارد. مراد از فرد جمود کسی است که ذهن او حرکت نداشته و به انجماد رسیده است. سکون و عدم تحقیق و پژوهش در عرصه علمی هم جمود علمی را شکل می‌دهد (مطهری، 1387، ج 3: 335). «جامد از هر چه نو است، متنفر است و جز با کهنه خو نمی‌گیرد» (همو، 1385، ج 19: 110)

قشری‌گرایی: «قشری» منسوب به قشر، به معنای کسی است که فقط به ظاهر امری توجه کند و از توجه به ابعاد مختلف و به خصوص باطن آن خودداری کند (بعین، 1382). در واقع؛ قشری‌گرایی همان سطحی‌نگری و جزئی‌نگری است که فرد به عمق و لایه‌های زیرین امور توجه نمی‌کند و ابعاد مختلف مسائل را در نظر نمی‌گیرد. آنچه در این واژگان و دیگر الفاظ هم‌نشین با تحجّر به صورت مشترک وجود دارد، همین نکته‌ای است که درباره قشری‌گرایی اشاره شد و آن، جزئی و سطحی‌نگری امور مختلف است.

2. علم

در این تحقیق وقتی بحث از تحجّر علمی می‌شود، باید مرادمان از علم و علمی نیز مشخص شود. علم در لغت به معنای مطلق آگاهی و نقیض جهل به کار رفته است (ابن منظور، 1414، ج 12: 199؛ فراهیدی، 1421، ج 2: 152؛ دمخدا، 1377) و در اصطلاح، معانی چندگانه‌ای دارد (مصباح یزدی، 1394، ج 1: 66-65). گاهی از علم معنای عام¹ و گاهی علم تجربی² اراده می‌شود. در معنای عام، حکمای اسلامی آن را امری بدیهی و واضح می‌دانند و تعاریف صورت گرفته را شرح‌الاسم برای علم تلقی می‌کنند. در این معنا، آگاهی به واقعیت یا راه پیدا کردن به واقعیت همان علم محسوب می‌شود (جوادی آملی، 1384: 86). حقیقت علم در این معنا کاشفیت از واقع است (همو، 1386، ج 4: 48). در دوران جدید، متفکران غربی معنای علم را منحصر در روش تجربی دانسته و فقط علم به معنای ساینس را علم تلقی می‌کنند. آنان علوم جدید را در روش تجربی منحصر دانسته و همه علوم حتی علوم انسانی را با این معیار می‌سنجند (نصر، 1377/الف: 52؛ همو، 1385: 25). اما منظور ما از علم در تحجّر علمی، مطلق علم است که نوعی آگاهی و معرفت در آن وجود دارد. حتی علم به معنای ساینس نیز بیانگر آگاهی از واقعیت‌های جهان است.

قبل از آنکه به تحلیل تحجّر علمی و گونه‌های مختلف و در ادامه آسیبها و پیامدهای آن شویم، لازم است از خود اخلاق علم و ارتباط تحجّر علمی با آن یاد کنیم.

1. Knowledge
2. Science

3. اخلاق علم

اخلاق علم از شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای و کاربردی¹ بوده و در آن از هنجارها و ناهنجاری‌های اخلاقی در عرصه علم و پژوهشی و تحقیق سخن گفته می‌شود (ریچاردز، 1373: 68؛ شامو و رزیک، 1394: 58-56). اگرچه مباحث اخلاقی و فلسفی ناظر به علم در گذشته مطرح بوده است (رک: جمعی از نویسندگان، 1390: 480-407)، اما امروزه به عنوان یکی از مباحث جدّی در عرصه علم از سوی محققان دنبال می‌شود (فلاح، 1395: 21-20). دغدغه‌های اخلاق علمی سبب آن شد تا نهادها و انجمنهای علمی مختلفی برای بررسی ابعاد مختلف به وجود آیند (سینک، 1392: 16). امروزه پیشرفتهای خوبی در عرصه اخلاق علم صورت گرفته و نظرات فلسفی متعددی در این زمینه مطرح شده است. (لنور، 1376: 98)

عدم توجه به مباحث اخلاقی در عصر مدرن سبب پیدایی چالشهای جدّی برای بشر شد. طرح مباحث اخلاق علم سبب پیدایی نظرات متعددی شده و همین امر توجه جدّی به این امر را برای محققان و پژوهشگران در فضای مباحث علمی به دنبال داشته است. (شیخ‌رضایی و کرباسی‌زاده، 1391)

در تعریف اخلاق علم بیان می‌شود: «ارزشهای شراکتی و تعهدات درون‌زای خاصی که از طریق تجربه‌ها و تعاملات اجتماعی علمی و الگوهای زیسته فرهنگ دانشگاهی و در پیوند با معانی، نمادها و هنجارهای علم اعتبار می‌یابند» (علیزاده اقدم و همکاران، 1390: 63). محقق دیگری در تعریف آن بیان می‌دارد: «اخلاق علم یا بایسته‌های اخلاقی دانشوری، اصطلاحی برای یک رشته جدید پژوهشی است که به امور اخلاقی در فرایند آموختن و آموزش و نیز به کارگیری دانش می‌پردازد» (جوادیور، 1396: 55)

علم در مرحله تولید، از چهار فرایند پژوهش، آموزش، نشر و کاربرد تأثیر می‌پذیرد که در اخلاق علم از همه این چهار بعد بحث می‌شود (فاراخانی و میرزایی، 1397: 21). هر چهار فرایند، به خصوص دو امر پژوهش و آموزش، از آنجا که فعالیت بشری به حساب می‌آیند، در حوزه افعال اختیاری انسان قرار می‌گیرند و به همین دلیل به مانند تمام فعالیت‌های آزادانه و مختارانه انسانی، از جهت گیری‌های اخلاقی، غیر اخلاقی و ضد اخلاقی برخوردارند و به واسطه همین امور، در حیطه مسئولیت‌پذیری انسانی قرار گرفته و خودبه‌خود کار اخلاقی به حساب می‌آیند و همین دغدغه در فرایند تحقیق، پژوهشگر را نیازمند علم اخلاق می‌سازد (فرامرزی قراملکی، 1383: 9). برخی بر این باورند که اخلاق، ناظر به حوزه باید‌هاست و علم ناظر به واقعیتها، و میان این دو رابطه‌ای نیست (آیر، بی‌تا: 146؛ انکینسون، 1369: 141-140) و به تعبیر دقیق نمی‌توان باید‌ها را از هست‌ها استخراج کرد (هیوم، 1377: 137؛ جوادی، 1375: 29؛ حائری یزدی، 1361: 20؛ سروش، 1361: 241؛ هوم، 1375: 86؛ هوم، 1388: 172؛ پارسانیا، 1385: 1385).

1. البته با تعبیر دقیق باید اخلاق حرفه‌ای را ذیل اخلاق کاربردی دید؛ زیرا شاخه‌ای از اخلاق کاربردی است که به مباحث اخلاقی در حرفه می‌پردازد (فرامرزی قراملکی، 1387: 175). اخلاق علمی امروزه چون به عنوان شغل برای پژوهشگران به حساب می‌آید، از مجموعه اخلاق حرفه‌ای و ذیل اخلاق کاربردی خواهد بود. (همان: 151-150)

797 ابوذری رجبی

73؛ همو، 1383: 155)؛ اما این دیدگاه امروزه در میان متفکران غربی نیز مخالفان جدی دارد (راین، 1370: 268؛ لاکاتوش، 1375: 109؛ چالمرز، 1374: 103؛ لازی، 1362: 294). با نظر دقیق باید گفت اگر چه ارزشها و باید و نبایدهای اخلاقی ناظر به تکالیف بوده و با اختیار انسان ارتباط دارد، اما این گونه نیست که ارتباطی با هستها و واقعیات نداشته باشد و شواهد فراوان بر پیوند این دو وجود دارد. (جعفری، 1392، ج 3: 511-510؛ فرانکتا، 1376: 205)

4. تحجّر علمی و اخلاق علم

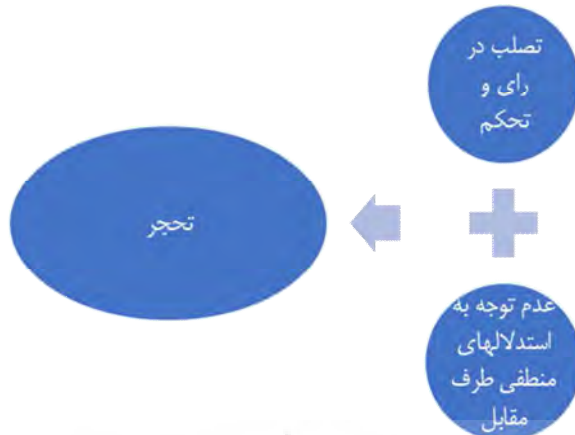
حال باید دید ارتباط تحجّر علمی با اخلاق علم در چیست؟ تحجّر علمی در حوزه اخلاق علم، ذیل هر دو شاخه اخلاق حرفه‌ای و اخلاق کاربردی مطرح است. در گذشته با تقسیم اخلاق به دو ساحت نظری و عملی، برخی از بایسته‌ها و نبایسته‌های علمی را در اخلاق عملی متعلم و پژوهشگر بحث می‌کردند؛ اما امروزه ذیل شاخه‌های اخلاق حرفه‌ای یا اخلاق کاربردی از آن می‌توان بحث کرد.

«Scientific Petrification» در ادبیات اخلاق پژوهش و اخلاق علم، معادل تحجّر علمی است. در آنجا مباحثی ناظر به خاستگاه و منشأ معرفتی، عاطفی و رفتاری واپسگرایی علمی بحث می‌شود. برای نمونه، از بی‌طرفی عاطفی¹ برای دوری از تحجّر علمی و در مقابل، از غرض‌ورزی عاطفی² به عنوان آسیب در عرصه تحقیق یاد می‌کنند (اندرسون و لوئیس،³ 1994: 273-299؛ باکر،⁴ 1988: 51). در ادبیات اخلاق علم، فرد متحجّر کسی است که در دالان ذهنی خود، اموری را به شکل قطعی و بدون ابتدا به ادله منطقی پذیرفته و هر اندیشه دیگری را ولو مستدل، در برابر اندیشه خود به حساب آورده و آن را نفی می‌کند. این همان واپسگرایی علمی است که معادل تحجّر علمی به حساب می‌آید (شامو و رزینک، 1394: 56؛ فلاح، 1395: 24-25) و در مقابل می‌توان از گشودگی ذهنی یا آزاداندیشی علمی یاد کرد.

5. گونه‌شناسی تحجّر

شناخت انواع و گونه‌های تحجّر در شناخت دقیق تحجّر علمی تأثیر فوق‌العاده‌ای دارد. تحجّر مدلهای مختلفی دارد؛ برخی آن را تا پنج گونه برشمرده‌اند: فکری، فرهنگی، فقهی، سیاسی، علمی و ایزاری (ذوعلم، 1379: 302-295). تحجّر فقهی را می‌توان به شکل عام‌تر با عنوان تحجّر دینی در نظر گرفت. رهبر انقلاب هم به این گونه‌ها در فرمایشات خود اشاره کرده‌اند (سخنرانی: 1381/9/7؛ 1381/11/8). اشتراک همه این مدلهای، تصلب در رأی و تحکم، پافشاری بر آرا و اعتقادات نادرست خود و عدم توجه به استدلالهای منطقی طرف مقابل است.

1. Disinterestedness
2. Interestedness
3. Anderson & Louis
4. Baker



تحجّر دینی؛ یکی از رایج‌ترین انواع آن در میان جوامع دینی در طول تاریخ است. در تعریف آن می‌توان گفت: «به آن دسته از نگرش‌های دینی گفته می‌شود که از شکفتن اندیشه دینی و برقراری تعامل نظری و عملی با جامعه و سیاست پرهیز می‌کنند» (مهدوی‌زادگان، 1380: 22). در واقع؛ تحجّر دینی نوعی پایبندی به دین از روی بدفهمی و کج‌اندیشی در معرفت دینی است (باقری، 1384، ج 2: 363). عدم برداشت درست از دین، سبب انحراف و کج‌روی شده و به این خاطر از تحجّر دینی به عنوان آسیب خطرناک در معرفت دینی یاد می‌شود. احتیاط‌گرایی، تصلب به ظواهر دین، جابه‌جایی اصول و فروع دین و تن دادن به تقلید در اجتهاد، از شاخصه‌های تحجّر دینی است (صادق‌رشاء، 1382: 99). این مدل از تحجّر، از آسیب‌های خطرناک دین و معرفت دینی است که مقام معظم رهبری نسبت به آن هشدار داده‌اند (سخنرانی: 1380/12/12). اسلام اصیل از تحجّر دینی به دور است، ولو عده‌ای در بستر زمانی در تاریخ اسلام دچار آن شده‌اند. امروزه نیز اسلام آمریکایی همان رویکرد را می‌خواهد و از اساس این مدل اسلام به تحجّر دینی می‌انجامد. اسلامی که به تحجّر، التقاط، تحریف و خرافه و بدعت گرفتار است. (سخنرانی: 1369/3/10)

تحجّر فرهنگی؛ برای تعریف تحجّر فرهنگی، ابتدا باید به فرهنگ توجه شود. تعریف واحدی از فرهنگ وجود ندارد. حدود 300 تا 400 تعریف از فرهنگ صورت گرفته است (پهلوان، 1378: 17). برخی، هر امر متعالی و مثبت را فرهنگ نامیده‌اند (ابوالقاسمی، 1384: 33) و عده‌ای «بزارها، رسوم، معتقدات، علوم، هنرها و سازمانهای اجتماعی» را فرهنگ دانسته‌اند (برن و فیلدینگ، 1380: 138). شاید بتوان به وجه جمع این تعاریف به این صورت اشاره کرد که فرهنگ، بیشتر بر بعد معنوی حیات انسان و هر قوم و قبیله‌ای اطلاق می‌شود و مفاهیمی همچون: اخلاق، هنر، شناخت، باور، احساسات، گرایشها، شیوه‌های زندگی، ارزشها، آداب و رسوم و آموزش و پرورش ذیل آن جای می‌گیرد (پهلوان، 1378: 14-13؛ آشوری، 1380: 114). جامعه‌شناسان وجه مشترک فرهنگ را در شش امر می‌دانند که عبارتند از: باورها، ارزشها، هنرها و اصول اخلاقی، نمادها،

زبان و فناوری¹ (عضدانلو، 1384: 447-448). تعریف رهبر معظم انقلاب را از فرهنگ می‌توان به این صورت بیان داشت: «فرهنگ مجموعه‌ای سیال از عناصری است که ذاتی یک جامعه و بومی ملت آن به شمار می‌آید و بخشی از آن جوششی از نسل گذشته به نسل حاضر و بخش دیگر کوشش و ثمره تلاش نسل حاضر است و شامل خاطرات، ذهنیات، اندیشه‌ها، ایمانها، باورها، سنتها، آرمانها، علم، زبان، دین، آداب معاشرت و زندگی است» (حسینی، 1398، ج 1: 530). فرهنگ دارای لایه‌های زیرین و سطحی است. اگر ریشه‌های و مبانی یک فرهنگ از پشتوانه عقلانی برخوردار باشد، آن فرهنگ را پویا و سرزنده خواهد کرد، و الا فرهنگ ایستایی خواهد بود. تحجّر فرهنگی آن است که نسبت به باورها و عادات و سنتی که پشتوانه محکمی ندارند، مقاومت و پافشاری در راستای عدم تغییر صورت گیرد.

تحجّر سیاسی؛ گونه دیگر، تحجّر سیاسی یا حزبی است که به تعبیر مقام معظم رهبری، از گونه‌های خطرناک آن به حساب می‌آید (سخنرانی: 1381/11/8؛ 1381/9/7؛ 1381/12/12). پافشاری بدون ادله عقلی و منطقی از احزاب سیاسی و گروهی و جناحی را می‌توان تحجّر سیاسی دانست. در واقع؛ نوعی جانبداری بدون پشتوانه عقلی و بی‌بصیرتی از اصول، مواضع و عملکردهای حزبی است. (خطیبی کوشکک، 1384: 150)

تحجّر علمی

همان‌طور که در معنای عام تحجّر اشاره شد که جمودی و خمودی، ایستایی و عدم تحرک فکری در دل تحجّر نهفته است، دقیقاً همین امور در تحجّر علمی نیز وجود دارد. اگر در عرصه علم به معنای عام (نه صرفاً علم به معنای دانش تجربی بشر) ایستایی و خمودی وجود داشته باشد، تحجّر علمی شکل می‌گیرد. از این نظر می‌توان گفت تحجّر علمی نپذیرفتن هرگونه تحول و پیشرفت در عرصه‌های مختلف علمی است؛ یعنی به دستاوردهای علمی دیگران هیچ توجهی نداشته باشیم. به عبارت دیگر؛ عدم انعطاف‌پذیری در برابر تغییرات و تحولات در عرصه علم را می‌توان معنای تحجّر علمی دانست. مسئله یادشده در ادبیات رهبر معظم انقلاب به گونه‌های مختلفی خود را نشان می‌دهد (سخنرانی: 1379/12/9؛ 1379/2/23؛ 1377/2/22؛ 1375/8/30؛ 1392/7/14). ایشان از اساس، تحجّر علمی را غلط و در میدان علم آن را بی‌معنا دانستند. (سخنرانی: 1389/8/2)

ایشان در تعریف تحجّر بیان می‌دارند: «معنای تحجّر این است که از هر آنچه که به صورت یک باور در ذهن انسان وارد شده، بدون اینکه پایه‌های استدلالی و استناد مستحکمی داشته باشد، بی دلیل و متعصبانه

1. برخی از جامعه‌شناسان در تعریف فرهنگ بیان می‌دارند: «فرهنگ تفکر جمعی جامعه است که در پدیده‌ها و رفتارهای اجتماعی تجلی می‌یابد و تمامی امور اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، نظامی، مادی و معنوی را متأثر می‌سازد» (صاحبی، 1384، ج 2: 154)

2. تعریف یادشده عین عبارت مقام معظم رهبری نیست، بلکه مبتنی بر برخی از سخنرانی‌های ایشان است. (1378/23/9؛ 1369/1/10؛ 1379/9/19؛ 1381/9/26)

800 ❖ چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری ...

دفاع کردن» (سخنرانی: 1381/11/8)؛ یا «تحجّر و جمود هم نوعی فرهنگ است؛ منتها فرهنگ بسته! بایستی با روشهای فرهنگی با آن مقابله کرد.» (سخنرانی: 1377/2/22)

در برخی از سخنان ایشان، از تحجّر دینی تعریفی صورت گرفته است که می‌توان با تعمیم آن برای تحجّر علمی نیز استفاده کرد: «تحجّر آن است که کسی که می‌خواهد از مبانی اسلام و فقه اسلام برای بنای جامعه استفاده کند، به ظواهر احکام اکتفا کند و نتواند کشش طبیعی احکام و معارف اسلامی را در آنجایی که قابل کشش است، درک کند و برای نیاز یک ملت و یک نظام و یک کشور، که نیاز لحظه به لحظه است، نتواند علاج و دستور روز را نسخه کند و ارائه بدهد» (سخنرانی: 1376/3/14)؛ یا در سخن دیگری، تحجّر را «فراموش کردن عقل و متوقف ماندن در فهم دین» (سخنرانی: 1380/12/12) دانسته‌اند. هر دو فقره ناظر به تحجّر دینی است، اما نکته اساسی در تحجّر که همان بی‌پایه بودن استدلال و متعصبانه دفاع کردن از امری بدون پشتوانه عقلانی است، در تحجّر علمی نیز مطرح است.

یک) مصادیق تحجّر علمی

همان‌گونه که خود تحجّر گونه‌هایی دارد، تحجّر علمی هم به عنوان یکی از شاخه‌های آن، از مصادیقی برخوردار است. استاد مطهری برای تحجّر علمی دو مصداق را در جهان اسلام نشان می‌دهد: مدل اول، به شکل سنتی و در میان برخی از شریعت‌گرایان سنتی بروز کرد و در مقابل پیشرفت غرب، به واپس‌زنی علوم مدرن انجامید. مدل دوم که از آن می‌توان به تحجّر مدرن یاد کرد، از سوی شیفتگان غرب صورت گرفت و با دل‌سپردن کورکورانه به غرب و داشته‌های غربیان، از گذشته خود دست شسته و به تقلید محض از غرب روی آوردند (مطهری، 1387، ج 21: 78-68؛ همو، 1368: 92-90). در ادبیات مقام معظم رهبری می‌توان موارد ذیل را به عنوان مصادیق واضح آن برشمرد: تقلید کورکورانه، تفکر ترجمه‌ای، عدم نوآوری و خلاقیت در عرصه‌های علمی.



یکی از این مصادیق، تقلید کورکورانه است. در دانشگاه‌های قبل از انقلاب این مسئله به وفور مشاهده می‌شد (سخنرانی: 1397/3/20). این امر جزء همان مواردی است که مقام معظم رهبری با عنوان بیماری در دانشگاه‌ها حتی بعد از انقلاب نیز از آن یاد می‌کنند. بنیانگذاری غلط از ابتدا در دانشگاه مبتنی بر این مصداق از تحجّر علمی شکل گرفته است (سخنرانی: 1385/7/13) یا تفکر ترجمه‌ای را می‌توان از این سنخ دانست. (سخنرانی: 1381/7/3)

به ادبیات دیگر؛ می‌توان تحجّر یادشده را از سنخ تحجّر روشنفکرانه دانست (سخنرانی: 1381/11/8). البته رهبر انقلاب در برخی موارد این روحیه را علت دیگر جمود و تحجّر دانسته و از هر دو امر؛ یعنی تقلید و تحجّر، به عنوان افراط و تفریط در عرصه علم یاد می‌کنند. (نامه: 1381/11/16)

از مهم‌ترین مصادیق تحجّر علمی می‌توان به عدم نوآوری و خلاقیت در عرصه‌های علمی اشاره کرد: «نگاه نو به مسائل نکردن، گذران تاریخ و تحوّل فکر انسانها را ندیده گرفتن، تعالی و ترقّی فکر و اندیشه و راههای زندگی را انکار کردن؛ این تحجّر است. هر دانشی را که شما نگاه کنید، تعالی و پیشرفت آن دانش، فریادی علیه تحجّر است. اگر قرار بود ایستایی، با فشاردن بر هر آنچه که عادت کرده‌ایم آن را ببینیم، چیز خوبی باشد، اصول ما هم پیشرفت نمی‌کرد؛ فقه ما هم از هزار سال پیش تا به حال این همه تحولات و پیشرفت‌ها را پیدا نمی‌کرد. در همه امور زندگی این‌طور است. تحجّر، یکی از بزرگ‌ترین آفات است.» (سخنرانی: 1379/7/14)

مصادیق یادشده گاهی در حوزه کلی علوم است و گاهی ناظر به علم خاص. ضمن اینکه تقلیدگرایی علمی گاه منجر به نفی علم دینی، به خصوص علوم انسانی اسلامی می‌شود. این خود مدلی از بت‌پرستی علمی است که شیفتگی و علاقه مفراط به غرب و انحصارگرایی روشی علم، آنان را به نفی دانش بومی می‌کشاند (خاکي قراملكي، 1389: 506-324؛ حسني، 1390: 3؛ خسروپناه، 1393: 35؛ هسو، 1392: 19). منکران علم دینی حتی نیم‌نگاهی به خود غرب نیز ندارند، که متفکرانی در آن سرزمین از مسئله دخالت ارزشها در حوزه دانش دم زده و از عدم تأثیر ارزشها بر علم فاصله گرفته‌اند (دور، 1382: 166؛ رابن، 1370: 268؛ لاکاتوش، 1375: 109؛ چالمرز، 1374: 103؛ لازي، 294: 1362). رهبر معظم انقلاب ضمن نفی جمود در علم موجود، تحول در حوزه علوم، از جمله علوم انسانی را اصلی ضروری دانسته و با توجه به دو شاخصه مهم تحول: به‌روز بودن و عقب نبودن از زمان (سخنرانی: 1379/9/8) و تکمیل و رفع نواقص داشته‌های مفید دیگران (سخنرانی: 1390/6/17)، بیان می‌دارند: «جنبش نرم‌افزاری، یعنی در معرفت علمی ننشینید دست خود را دراز کنید تا دیگران بکارند و میوه چینی کنند و هر مقدار از میوه را که لازم نداشتند، بیاورند در دست شما بگذارند. جنبش نرم‌افزاری، یعنی در زمینه علم، تولید علم و شکستن مرزهای علم، یک جنبش و یک حرکت عظیم به وجود بیاید.» (سخنرانی: 1383/10/17)

دو) انگیزه‌ها، عوامل و خاستگاههای تحجّر علمی

تحجّر علمی می‌تواند منشأ معرفتی، عاطفی و یا رفتاری داشته باشد. اگرچه مناشی عاطفی و رفتاری مهم‌اند، اما خاستگاه اصلی آن را می‌توان معرفتی و نظری دانست. سرسختی فرد متحجّر در برابر دیدگاه مقابل عمدتاً ناشی از نوع نگاه معرفت‌شناسانه اوست؛ اگرچه خود این امر متأثر از عواملی همچون: عادت، آداب و رسوم نیز می‌تواند باشد. البته باید توجه داشت که میان تحجّر با ایستادگی بر اصول و باورهای اعتقادی و حتی آداب و رسوم معقول میان عرف تفاوت است. در تحجّر نوعی سکون، ایستایی و عدم تحرک از سر باورهای غلط مطرح است. تمایز قائل نشدن میان اصول و امور متغیّر در ابعاد مختلف فکری، دینی، سیاسی می‌تواند عامل و منشأ اساسی در شکل‌گیری تحجّر باشد. (ذوعلم، 1382: 13)

بنابر این، منشأ و عامل معرفتی در میان عوامل اثرگذار در شکل‌گیری و پایداری تحجّر علمی نقش بیشتری دارد. اینکه برخی از متفکران، اصلی‌ترین عامل شکل‌گیری جمود و تحجّر در افراد را جهل و عدم بصیرت می‌دانند (مطهری، 1385: 110)، ناظر به همین نکته است که به عامل و انگیزه معرفتی و نظری توجه دارند. به تعبیر دیگر؛ عدم تعقل، آدمی را با آسیبهایی از جمله تحجّر علمی مواجه می‌سازد.

تعبیر یادشده از استاد مطهری را به گونه‌ای دیگر می‌توان در فرمایشات رهبر انقلاب ملاحظه کرد. ایشان سکوت و سکون را عامل و منشأ اصلی تحجّر معرفی می‌کنند: «رکود، سکون و سکوت موجب ایجاد جمود، تحجّر و کهنگی می‌شود و فقدان کارایی را به دنبال می‌آورد» (سخنرانی: 1379/2/23). البته توجه به این نکته لازم است که رکود و سکون و سکوت علمی مترادف با بی‌بصیرتی نیست. با این توضیح که ممکن است یک فرد عالم و دانشمند هم با وجود تحرک و نوآوری علمی، دچار بی‌بصیرتی باشد.



منشأ اصلی شکل‌گیری تحجّر

جهالت و بی‌بصیرتی سبب شکل‌گیری تحجّر و تعصب نابجا خواهد شد. اگرچه فرد متحجّر، علم و آگاهی نسبت به امر مورد اصرار خود دارد، از این نظر او جاهل نیست؛ اما همین که به تحول و تغییر و

اندیشه جدید نمی‌اندیشد، نوعی جهالت به امر جدید شکل گرفته و رخوت حاصل از واپسگرایی او را به تحجّر می‌کشاند. عوامل مهم دیگری مانند عدم تهذیب نفس و دوری از معنویت و متابعت هوا و هوس نیز در تحجّر علمی دخالت دارند. به همین سبب رهبر معظم انقلاب همواره در دیدار با نخبگان و اساتید دانشگاه، مسئله یاد خدا و معنویت را گوشزد می‌کنند (سخنرانی: 1383/4/16). در سخنان رهبر انقلاب گاهی به عوامل رشد علمی اشاره می‌شود که می‌توان مفهوم مخالف و عکس نقیض آن را صفات و عواملی دانست که منجر به رکود و سکون علمی و در نهایت تحجّر علمی خواهد شد؛ مانند بی‌همتایی و تنبلی و بی‌حالی. (سخنرانی: 1385/3/29)

سه) آسیبهای تحجّر علمی

قطعاً هر مدلی از تحجّر آسیب شمرده می‌شود، اما تحجّر علمی از جمله گونه‌هایی است که علاوه بر آسیبهای فردی، چالشهای جدی اجتماعی در پی داشته و برای حاکمان و مدیران جامعه نیز دردسرهایی فروانی در راستای رشد و پیشرفت جامعه به دنبال می‌آورد که برخی از مهم‌ترین آنها در منظومه فکری مقام معظم رهبری عبارتند از:

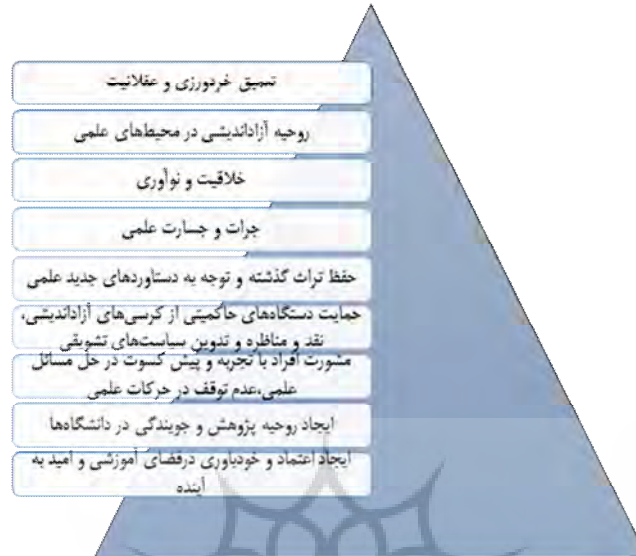
- عدم جرأت و جسارت برای صدور و ارائه نظریه‌های مهم علمی، حتی در صورت توانایی. (سخنرانی: 1379/12/9، 1379/2/23)
- عدم پذیرش نظریات جدید علمی دیگران، حتی نظریات مبتنی بر منطق و استدلال متقن و قوی. (همان)
- رکود و رخوت و سکون علمی. (سخنرانی: 1379/2/23)
- مقابله با هر چه نو و نوگرایی باشد (سخنرانی: 1379/2/23) به عنوان یک ویژگی در همه متحجّران می‌توان دید. (مطهری، 1385، ج 19: 110)
- عدم تفکر و تعقل و به تعبیر دقیق‌تر؛ بی‌بصیرتی از دیگر آسیبهای تحجّر علمی است. (سخنرانی: 1388/2/26)
- عدم رشد و پیشرفت کشور به واسطه این آسیب خطرناک پیش خواهد آمد. وادادگی در برابر دشمنان را می‌توان در کنار این امر به عنوان آسیبهای تحجّر علمی است. این امر خود نوعی خدمت‌رسانی به دشمن نیز به حساب می‌آید. (سخنرانی: 1391/9/21)
- تنگ‌نظری و واپسگرایی؛ تحجّر از هر مدل و گونه‌ای که باشد انسان را به تنگ‌نظری و تعصب وامی‌دارد. «وآوری در فهم اسلام مستلزم برخورداری از استعداد و دوری از تحجّر و تعصب و تنگ‌نظری است». (سخنرانی: 1377/8/26)
- کج‌اندیشی و کج‌فهمی. (سخنرانی: 1381/12/12)
- تقلید کورکورانه و شخصیت‌زدگی و شخصیت‌پرستی. (سخنرانی: 1379/12/9)



فهرست نموداری آسیبهای تحجّر علمی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

چهار راهکارهای مقابله با تحجّر علمی

راههای مواجهه با تحجّر علمی متفاوت از تحجّر سیاسی و دینی است. این تحجّر به سبب مطرح بودن در محیط‌های علمی، راهکار علمی و فرهنگی می‌طلبد. «تحجّر و جمود هم نوعی فرهنگ است؛ منتها فرهنگ بسته! بایستی با روشهای فرهنگی با آن مقابله کرد. به نظر من، دانشجویان می‌توانند در این زمینه مؤثر باشند» سخرانی: 1377/2/22. از مجموع اندیشه‌های رهبر انقلاب می‌توان راهکارهای ذیل را برای برون‌رفت از تحجّر علمی مطرح کرد:



نمودار راهکارهای برون‌رفت از تحجر علمی از دیدگاه رهبر معظم انقلاب

تعمیق خردورزی و عقلانیت: از کلیدی‌ترین مسائل در راهکارهای دوری از تحجر علمی، باید به تعمیق خردورزی و عقلانیت اشاره کرد. رهبر انقلاب در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به چهار عنصر فکر، علم، معنویت و زندگی تأکید می‌ورزند که در این میان، مسئله تفکر و عقلانیت را بنیانی‌تر از باقی عناصر می‌دانند. همچنین در بیانیه گام دوم، معنویت برخاسته از عقلانیت را به عنوان محور پیشرفت انقلاب مطرح می‌سازند.

عقل در میان انسانها به عنوان مهم‌ترین منبع معرفت و ابزاری اساسی در فهم امور مختلف در زندگی است (شاکرین، 1390: 76-77؛ علی‌نبار فیروزجانی، 1390: 308). تمییز پندارها و خرافات از حقایق با عقل صورت می‌گیرد. راستی آزمایی باورها بدون معیار امکان‌پذیر نیست و چه میزان و ملاک و معیاری برتر از عقل. به همین سبب، در مصادر دینی سفارش به عقلانیت و مراجعه به عقل و خردورزی صورت می‌گیرد (سخنرانی: 1387/5/27). عقل هم به مثابه ابزار و هم به مثابه منبع، از نظر قرآن و روایات دارای اعتبار است. نمی‌توان فهم دین و دلالتگری آن را بدون عقل پذیرفت.¹ حجیت و صحت دین و وجه دلالت آنها منوط به پذیرش عقل است. پی بردن به برخی از مفاهیم و حقایق دینی جز از طریق معرفت عقلی امکان‌پذیر نیست. فهم بسیاری از امور تنها در سایه خردورزی و عقلانیت قابل فهم و تحلیل جامع و صحیح خواهد بود. باور به توحید به

1. عقل و عقلانیت معانی متعددی دارد؛ در اینجا مراد از عقل و عقلانیت از سنخ معرفتی (صادقی، 1386: 67-51) و معقول بودن و استفاده از عقل سلیم در یک نظام فکری است. عقلانیت به این معنا کاربردهای مختلف در علوم دارد. (صادقی رشاد، 1382: 259-239)

806 ♦ چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری ...

عنوان رکن اساسی دین بدون عقلانیت پایه و اساسی نخواهد داشت (سخنرانی: 1371/6/24). به همین سبب در برخی روایات، عقل را بالاترین نعمت الهی دانسته و هدف ارسال انبیا را تکمیل عقول بشر معرفی کرده است (رک: کینی، 1407، ج 1: 13). رهبر انقلاب هم با توجه به این روایات، عقل را هدایتگر آدمی در امور مختلف می‌داند (سخنرانی: 1383/9/26). ایشان هدف اصلی انقلاب را عقلانیت و خردورزی دانسته (سخنرانی: 1390/6/26)؛ راه مقابله با دو سایه افراط و تفریط جمود و هرزگی را عمق‌بخشی پایه‌های عقلانیت می‌داند (نامه: 1387/6/5). در این بین نباید از این امر غافل بود که اگرچه در برهه‌ای از تاریخ گونه‌هایی از تحجّر با مدل‌های خاص خود در بین مسلمین وجود داشت (مانند خوارج) (سخنرانی: 1369/2/6)؛ اما متأسفانه غرب به شکل کلی اسلام را دین متحجّر و مخالف علم و تعقل معرفی می‌کند (سخنرانی: 1390/11/14؛ 1371/7/13)؛ حال آنکه تلاش و حیات علمی مسلمین دقیقاً برعکس آن بوده (سخنرانی: 1383/9/26) و منزلت عقلانیت و علم در اسلام بیش از ادیان دیگر است.¹

روحیه آزاداندیشی در محیط‌های علمی: آزادی از دیدگاه رهبر انقلاب عبارت است از: «رهایی از همه قید و بندهای نفسانی و اعراض از بندگی غیر خدا و در یک کلام، آزادی از همه قیود غیر از عبودیت خدا» (سیلانی، 1396: 195). آزادی چه از نوع فکری و چه سیاسی، از نعمتهای الهی است (علی‌پورگرگی، 1390: 211)؛ البته آداب و فرهنگ خاص خود را دارد (حسینی خامنه‌ای، 1389، ج 4: 79). روحیه آزاداندیشی داشتن نکته مهمی است، البته در این بین وظیفه دولت و دستگاه‌های حکومتی امر مهم دیگر. (همو، 1377: 15)

یکی دیگر از راهکارهای پرون رفت از تحجّر علمی، تقویت روحیه آزاداندیشی در محیط‌های علمی است. تنها راه گسترش تولید علم و اندیشه در کشور از دیدگاه ایشان، ایجاد فضای نقادی علمی در پرتو آزاداندیشی حقیقی در دانشگاهها و حوزه‌هاست. نقطه مقابل آزاداندیشی، تحجّر و جمودگرایی قرار دارد. (سخنرانی: 1381/11/8؛ 1379/12/9)

ادعای آزاداندیشی از سوی افراد و مکاتب مختلف صورت می‌گیرد؛ اما جدای از این ادعاها، دین اسلام به معنای واقعی کلمه، هم دین تفکر و تعمق است و هم دعوت به آزاد اندیشی در آن شده و برای حل مشکلات حیات بشری بهترین و مناسب‌ترین راهکارها را ارائه می‌دهد (سخنرانی: 1384/6/11). آزادی اندیشه سبب رشد و شکوفایی استعدادها شده و در پرتو آن علم به جوشش درآمده و بر پایه علم، همه بنیانهای اجتماعی نوسازی می‌شود (سخنرانی: 1384/3/3). فرهنگ آزادی بی‌مهار و خودخواهانه غربی عملاً به انحصار علمی انجامیده و این با ادعای آزادی اندیشه و بیان کاملاً ناسازگار است. حال آنکه انقلاب اسلامی آزادی اندیشه را به عنوان رکن اساسی در منطق مباحث علمی مطرح می‌کند (نامه: 1387/6/5). فضای علمی کشور

1. «ما خیلی موافقیم با عقل‌گرایی. قرآن هم راجع به عقل خیلی حرف زده، اسلام راجع به عقل خیلی توصیه کرده، امام بزرگوار یکی از بزرگ‌ترین عقلای عالم بود؛ اهل عقل بود، اهل تعقل بود، انقلاب هم انقلاب عقلانی بود با مبانی محکم.» (سخنرانی: 1395/4/12)

امروزه به شدت به تفکر آزاداندیشانه نیاز دارد که در پرتو آن می‌توان به توسعه فرهنگ و علم و گسترش آنها دست یافت. این نکته لازمه تحرک علمی در جامعه و مانع رشد تحجّر علمی خواهد بود.

خلاقیت و نوآوری: خلاقیت و نوآوری را نیز می‌توان از دیگر راهکارهای دوری از تحجّر علمی دانست. در مدیریت سازمانی از خلاقیت¹ تعاریفی صورت گرفته که به هر کدام از معانی پاییند باشیم، می‌تواند در این بحث به ما کمک کند. برخی خلاقیت را «به کارگیری توانایی‌های ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید» (صدآقایی، 1385: 13) می‌دانند. برخی آن را تلفیقی از ایده‌ها به شیوه‌ای منحصر به فرد برای برقراری ارتباط غیر معمول بین ایده‌های مختلف تعریف کرده‌اند (مقی، 1380: 129). عده‌ای نیز در تعریف آن گفته‌اند که خلاقیت یعنی «نگاه به چیزهای معمولی و پیش پا افتاده و دیدن چیزهای فوق‌العاده و غیر عادی در آنها» (احمدی مقیم، 1387: 25). در فعالیتهای پژوهشی، خلاقیت به هر سه معنا می‌تواند به کار برود. خلاقیت و نوآوری² استفاده حداکثری از فرصتها، ولو با امکانات حداقلی است. تلاش علمی با این تعریف منجر به بهبود وضعیت علمی و تحقیقات پژوهشی خواهد شد. اگر عنصر تحجّر در این میان پا بگذارد، در واقع از دست رفتن فرصت و شکل نگرفتن ایده‌های نو و ابتکاری خواهد بود.

مراد از نوآوری در اینجا غیر از نوگرایی است. در نوگرایی مراد امروزی شدن و نگاه نو ناظر به مدنیته در زندگی داشتن است (بشیری، 1378: 4؛ افشارکهن، 1383: 55)؛ اما در نوآوری ممکن است نگاه به نوگرایی به معنای مذکور باشد و ممکن است فردی کاملاً در مقابل با مبانی مدرنیسم به امور نگاه خلاقانه و نوآورانه داشته باشد.

«آن روز که سهم آزادی، سهم اخلاق و سهم منطق، همه یکجا و در کنار یکدیگر ادا شود، آغاز روند خلاقیت علمی و تفکر بالنده دینی در این جامعه است و کلید جنبش تولید نرم‌افزار علمی و دینی در کلیه علوم و معارف دانشگاهی و حوزوی زده شده است.» (1381/11/16)

خلاقیت در حوزه علم به پویایی جامعه می‌انجامد. پیشرفت و دانایی در هر تمدنی مرهون فعالیت و خلاقیت علمی است و این امر، دگرگونی در جامعه را فراهم می‌آورد؛ اما تحجّر، جامعه را به محیطی بسته تبدیل می‌کند که مانع هرگونه تحول و پیشرفت خواهد شد. انقلاب اسلامی وضعیت رکود و سکون و رخوت قبل از انقلاب را تغییر داده و با حفظ روحیه انقلابی می‌توان به خلاقیت دست یافت. (سخنرانی: 1387/3/14)

در جای دیگر، رهبر انقلاب بر ضرورت تحول علمی با نگاه ابداع و نوآوری داشتن بیان می‌دارند: «تولید علم یعنی شکستن مرزهای علم و پیشرفت کردن، با تحصیل علم و تبحر در علم تفاوت دارد. ما اولی را نیاز داریم؛ دومی کافی نیست. نگاه اسلام به انسان، علم، زندگی بشر، عالم طبیعت و عالم وجود، نگاهی

1. Creativity
2. Innovation

808 ♦ چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری ...

است که معرفت نوینی را در اختیار انسان می‌گذارد. این نگاه مبنای تحقیقات علمی در غرب نبوده است» (1383/9/26). یا در مورد دیگری بر همین امر تأکید می‌ورزند که: «تولید علم فقط انتقال علم نیست، نوآوری علمی در درجه اول اهمیت است» (1379/12/9). این امر در زمینه علوم انسانی ضرورت بیشتری دارد. (1382/8/8)

جرأت و جسارت علمی: دیگر راه برون‌رفت از تحجّر علمی را می‌توان داشتن شهامت در حوزه علم دانست. شجاعت و جسارت علمی در عین حفظ حرمت افراد و شخصیتها، در بیان نظرات و رشد دیدگاهها تأثیر چشمگیری دارد. این امر در سنت حوزه‌های دینی در گذشته به وفور میان اساتید و شاگردان مشاهده می‌شد (سخنرانی: 1386/2/26). امروزه هم برای رسیدن به توسعه علمی مناسب کشور و مقابله با تعصبات علمی و جمود و تحجّر باید به ترویج آن دامن زد (سخنرانی: 1379/12/9). شاید بتوان هر دو راهکار اخیر را با عنوان نواندیشی مطرح کرد؛ زیرا نواندیشی، هم نیازمند خلاقیت و هم جرأت و شهامت علمی است. (همان)

دین اسلام، با نفی جمود و تعصبات غیر عقلانی و با دعوت به اجتهاد و نواندیشی در علوم، اسباب تقلید کورکورانه و تعصبات جمودآمیز را از بین می‌برد. نیروی انسانی خلاق، پویا، محرک، بدون توقف و ایستایی تربیت کرده که به جای تقلیدگرایی، با رویکرد نقّادانه به نظریات دیگران نگرسته، با نقّادی نظریات اشتباه دیگران و عدم تعصب بر آنها و کشف نظریات علمی جدید و معتبر، جامعه را به سمت رشد و بالندگی هدایت می‌کنند. (سخنرانی: 1386/7/21)

حفظ تراث گذشته و توجه به دستاوردهای جدید علمی: توجه به تراث و داشته‌های علمی گذشتگان، در واقع حفظ فرهنگ آن ملت و کشور است. احیای تراث در عصر جدید با هدف بیان داشته‌های تاریخی قبل، در افزایش غرور ملی و گذشته تمدنی نقش جلی دارد. مسلمانان طی چند قرن گذشته پرچمدار و پلایه‌دار علوم در کل جهان بودند (جعفری، 1382: 11؛ اقبال، 1390: 14؛ نصر، 1377: 27). غربی‌ها با استفاده از ترجمه منابع علمی مسلمین به بهترین نحو از علوم مسلمین بهره‌مند شدند (سخنرانی: 1377/10/24) و با پیشرفت چشمگیرشان، گوی سبقت را از مسلمین ربودند (لوبون، 1378: 707-705؛ گلی زواره، 1385: 51-50). این مسئله ثابت شده است که دین اسلام نه تنها طرفدار جمود و یکنواختی و مخالف پیشرفت زمان نیست، بلکه خالق تمدن عظیمی در کل عالم است که غربی‌ها خودشان به آن اذعان داشته و اعتراف می‌کنند که «تمدنی شگفت‌انگیزتر از تمدن اسلامی وجود ندارد». (مطهری، 1386، ج 21: 55)

توجه همزمان به تراث گذشته و دستاوردهای جدید، از دیگر راهبردهای کلان و قابل توجه برای مقابله با تحجّر علمی است. (سخنرانی: 1386/6/12)

لازمه نگرش تمدنی داشتن و به خصوص با رویکرد تمدن نوین اسلامی، دوری از تحجّر علمی است. هم تحجّر در تقلید صرف از گذشتگان و هم رویکرد ترجمه‌ای به علوم غرب که خود روی دیگر سکه تحجّر است.

نقش دستگاه‌های حاکمیتی: در بخش راهکارهای ارائه شده، از روحیه آزاداندیشی در محیط‌های علمی یاد کردیم؛ اما باید بدانیم این امر صرفاً با تلاش فردی حاصل نمی‌شود. تقویت منطق خردورزی و روحیه آزاداندیشی، پرسشگری و پاسخگویی و نقدپذیری در فضای عمومی و علمی دانشگاهها، از راهکارهای جمعی و مدیریتی برای برون‌رفت از تحجّر علمی است. در همین راستا می‌توان به حمایت، تقویت و توسعه کرسی‌های آزاداندیشی، نقد و مناظره و تدوین سیاستهای تشویقی در این قسمت اشاره کرد. (سخنرانی: 1390/2/27)

درباره نقش دستگاه‌های حاکمیتی هم مقام معظم رهبری اشاره دارند که: «برای بیدار کردن عقل جمعی، چاره‌ای جز مشاوره و مناظره نیست و بدون فضای انتقادی سالم و بدون آزادی بیان و گفتگوی آزاد با حمایت حکومت اسلامی و هدایت علما و صاحب‌نظران، تولید علم و اندیشه دینی و در نتیجه، تمدن‌سازی و جامعه‌پردازی، ناممکن یا بسیار مشکل خواهد بود.» (1381/11/16)

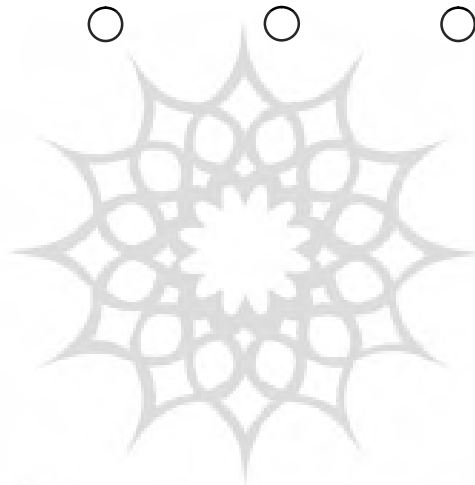
دیگر راههای برون‌رفت از تحجّر علمی: از دیگر راهکارهایی که به شکل غیر مستقیم می‌توان از فرمایشات رهبر معظم انقلاب برای دوری از تحجّر علمی دنبال کرد، از این قرارند: مشورت با افراد باتجربه و پیشکسوت در حل مسائل علمی (سخنرانی: 1387/7/3؛ 1390/6/2)؛ عدم توقف در حرکات علمی (سخنرانی: 1387/7/3؛ 1385/7/13؛ 1392/5/15)؛ ایجاد روحیه پژوهش و جویندگی در دانشگاهها (سخنرانی: 1387/7/3؛ 1384/7/21)؛ ایجاد اعتماد و خودباوری در فضای آموزشی و امید به آینده. (سخنرانی: 1385/7/13؛ 1387/7/3؛ 1388/6/8)

هـ) نتیجه

اهمیت فعالیت علمی و پژوهشی و ارتباط مستقیم آن با مسئله اخلاق، بحث بسیار مهمی را با نام اخلاق علم پیش روی ما می‌گذارد. اخلاق علم با توجه به بعد هنجاری داشتن از مقولاتی ناظر به بایدها و نبایدهای ارزشی سخن می‌گوید که محقق و پژوهشگر ناچار به التزام از بایدها و اجتناب از نبایدهاست. این التزام به سبب مسئولیت اخلاقی است که هم پشتوانه عقلی و هم مستظهر به ادله نقلی است. از ناهنجاری‌های مهم در این عرصه، مسئله تحجّر علمی است که در این تحقیق این امر را از منظر مقام معظم رهبری بر رسیدیم. تحجّر یادشده در عرصه علم و پژوهش به مانند دیگر گونه‌های تحجّر، سکون و رکود و رخوت را به دنبال دارد و نتیجه منطقی آن، عدم رشد علمی در دو حوزه فردی و اجتماعی خواهد بود. این امر به خصوص در ابعاد اجتماعی قابلیت توجه بیشتری دارد؛ زیرا آسیبهای مهمی را در پی دارد.

810 ♦ چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری ...

مهم‌ترین عامل و خاستگاه این مدل از تحجّر، جهل و سکوت و سکون است. برای مقابله با آن علاوه بر توجه جدی مسئله عقلانیت و خردورزی، باید به مسئله آزاداندیشی در عرصه‌های علمی و جرأت و جسارت علمی داشتن عنایت داشت. در کنار آن، توجه به آسیبهای این امر نیز ضروری است. مهم‌ترین این آسیبها در نگاه رهبر معظم انقلاب عبارتند از: عدم جرأت و جسارت برای صدور و ارائه نظریه‌های مهم علمی، حتی در صورت توانایی؛ عدم پذیرش نظریات جدید علمی دیگران، حتی نظریات مبتنی بر منطق و استدلال متقن و قوی؛ رکود و رخوت و سکون علمی؛ مقابله با هر چیز نو و بدیع؛ عدم تفکر و تعقل؛ وادادگی در برابر دشمنان؛ تنگ‌نظری و واپسگرایی؛ کج‌اندیشی و کج‌فهمی و در نهایت، تقلید کورکورانه و شخصیت‌زدگی و شخصیت‌پرستی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

- قرآن کریم.
- آژینی، محسن (1369). التقاط و تحجر از دیدگاه شهید مطهری. تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- آشوری، داریوش (1380). تعریفها و مفهوم فرهنگ. تهران: آگاه.
- آیر، ا.ج. (بی تا). زبان، حقیقت و منطق. ترجمه منوچهر بزرگمهر. تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- ابن فارس، احمد بن فارس (1404 ق.). معجم مقاییس اللغة. مصحح هارون عبدالسلام محمد. قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم (1414 ق.). لسان العرب. بیروت: دار صادر.
- ابوالقاسمی، محمدجواد (1384). شناخت فرهنگ. تهران: عرش پژوه.
- اتکینسون، آراف. (1369). درآمدی به فلسفه اخلاق. ترجمه سهراب علوی نیا. تهران: مرکز ترجمه و نشر کتاب.
- احمدی مقیم، عباس (1387). کارآفرینی. همدان: فراگیر هگمتانه، چ دوم.
- اسفندیاری، محمد (1382). خمود و جمود. قم: صحیفه خرد، چ دوم.
- اصغری، محمود (1390). «آفات و پیامدهای تحجر». پژوهشهای اجتماعی اسلامی، ش 90: 75-92.
- افشارکهن، جواد (1383). بازخوانی جامعه‌شناختی سنت‌گرایی و تجددطلبی در ایران بین دو انقلاب. تهران: آوای نور.
- اقبال، مظفر (1390). اسلام، علم مسلمانان و فتاوری. گفتگوی دکتر سید حسین نصر با دکتر مظفر اقبال. ترجمه سید امیرحسین اصغری. تهران، اطلاعات.
- انوری، حسن (1381). فرهنگ بزرگ سخن. تهران: سخن.
- باقری، خسرو (1384). تگاهی دوباره به تربیت اسلامی. تهران: مدرسه.
- برن، آگ. و ویلیام فیلدینگ (1380). زمینه جامعه‌شناسی. ترجمه ا.ح آریان پور. تهران: گسترده.
- بشیریه، حسین (1378). تاریخ اندیشه‌های سیاسی در قرن بیستم. تهران: نی.
- پارسایا، حمید (1385). سنت، ایدئولوژی، علم. قم: بوستان کتاب.
- پارسایا، حمید (1383). علم و فلسفه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- پهلوان، چنگیز (1378). فرهنگ‌شناسی (گفتارهایی در زمینه فرهنگ و تمدن). تهران: پیام امروز.
- جعفری. محمد تقی (1392). مجموعه آثار 3 (بررسی افکار دیوید هیوم و برتراند راسل). تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری.
- جعفری، یعقوب (1382). مسلمانان در بستر تاریخ. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چ پنجم.

812 ♦ چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری ...

- جمعی از نویسندگان (1390). اخلاق پژوهش (مبانی و مسائل). به کوشش محسن جوادی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- جمعی از نویسندگان (1381). دین و دینداری در عصر حاضر. تهران: دانشگاه امام حسین.
- جوادی پور، غلامحسین (1396). سرشت اخلاقی معرفت: سنجش، نگرشها، چشم انداز نگارشها. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- جوادی، محسن (1375). مسئله باید و هست. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- جوادی آملی، عبدالله (1387). تفسیر موضوعی، مراحل اخلاق در قرآن کریم. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1384). معرفت‌شناسی در قرآن. قم: اسراء.
- جوادی آملی، عبدالله (1386). سرچشمه اندیشه. ج 4. نظیم عباس رحیمیان، قم: اسراء.
- چالمرز، آلن ف. (1374). چستی علم، درآمدی بر مکاتب علم‌شناسی فلسفی. ترجمه سعید زیباکلام. تهران: علمی و فرهنگی.
- حائری یزدی، مهدی (1361). کاوشهای عقل عملی. تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- حر عاملی، محمد بن حسن (1376). الفصول المهمه. تحقیق محمدحسین قائنی. قم: مؤسسه معارف اسلامی امام رضا (ع).
- حسینی، ابوالحسن (1398). «نظام فرهنگ اسلامی». منظومه فکری حضرت آیه‌الله العظمی خامنه‌ای. زیر نظر عبدالحسین خسروپناه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، چ پنجم.
- حسینی، سیدحمیدرضا و همکاران (1390). علم دینی، دیدگاهها و ملاحظات. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (1377). «آزادی از نظر اسلام و غرب». پژوهشهای اجتماعی - اسلامی، ش 14: 41-13.
- حسینی خامنه‌ای، سید علی (1389). «تکته‌های ناب». گزیده بیانات رهبر فرزانه انقلاب در جمع دانشجویان و دانشگاهیان، ج 4. قم: دفتر نشر معارف، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، چ دهم.
- خاکی قراملکی، محمدرضا (1389). تحلیل هویت علم دینی و علم مدرن. قم: کتاب فردا.
- خسروپناه، عبدالحسین (1392). تولید و تکوین علوم انسانی اسلامی. تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.
- خسروپناه، عبدالحسین (1393). در جستجوی علوم انسانی اسلامی: تحلیل نظریه‌های علم دینی و آزمون الگوی حکمی - اجتهادی در تولید علوم انسانی اسلامی. قم: دفتر نشر معارف.
- خطیبی کوشکک، محمد (1384). «تحجّر حزبی و سیاسی». حصون، ش 6: 164-150.
- دهخدا، علی‌اکبر (1377). لغتنامه. تهران: دانشگاه تهران، روزنه.

- ذوعلم، علی (1382). «انقلاب اسلامی، تحجّر و سنت». کتاب نقد، ش 26-27: 11-30.
- ذوعلم، علی (1379). «ضد اصلاحات و تحجّر در دیدگاه استاد مطهری». کتاب نقد، ش 16: 292-311.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد (1412 ق). المفردات. تحقیق صفوان عدنان داودی. بیروت: دارالعلم الدار الشامیه.
- راین، آلن (1370). فلسفه علوم اجتماعی. ترجمه عبدالکریم سروش. تهران، صراط.
- رسینک، دیوید بی (1392). اخلاق علم. ترجمه مصطفی تقوی و محبوبه مرشدیان. قم: نشر معارف.
- ریچاردز، استوارت (1373). «علم و جامعه، بعد اخلاقی علم». ترجمه فاضل لاریجانی. رهیافت، ش 6: 73-68.
- زبیدی، محمد بن محمد (1414 ق). تاج العروس من جواهر القاموس. مصحح علی شیری. بیروت: دارالفکر.
- زمخشری، محمود بن عمر (1979 م). اساس البلاغه. بیروت: دار صادر.
- سروش، عبدالکریم (1361). دانش و ارزش. تهران: یاران، چ هشتم.
- سروش، عبدالکریم (1375). علم چیست، فلسفه چیست؟. تهران: صراط.
- سروش، عبدالکریم (1388). تفرج صنع (گفتارهایی در اخلاق و صنعت و علم انسانی). تهران: صراط.
- سلیمی، مصطفی (1384). خرافات تحجّر و نوگرایی دینی. تهران: مهر رایان.
- سیلانی، علی اکبر (1396). درآمدی بر فلسفه سیاسی مقام معظم رهبری. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
- شاکرین، حمیدرضا (1390). منابع و پیش‌انگاره‌های فهم دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شامو، ادیل و دیوید رزینک (1394). جایگاه اخلاق در پژوهش علمی. ترجمه عباس کاردان. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شیخ‌رضایی، حسین و امیراحسان کرباسی‌زاده، 1391، آشنایی با فلسفه علم. تهران: هرمس.
- شیرخانی علی و محمد رجائی‌نژاد (1392). «تحجّر و تحجّرگرایی در منظومه فکری امام خمینی (ره)». سیاست متعالیه، ش 3: 80-61.
- صاحبی، محمدجواد (1384). مناسبات دین و فرهنگ در جامعه ایران (مجموعه مقالات). تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- صادقی رشاد، علی‌اکبر (1382). منطق فهم دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- صادقی، هادی (1386). عقلانیت ایمان. قم: کتاب طه.
- صلواتی، محمود (1379). جمود و خشونت: پژوهشی پیرامون جریان خوارج در نهج البلاغه. تهران: ذکر.
- صمدآقایی، جلیل (1385). خلاقیت جوهره کارآفرینی، ج 2. تهران: دانشگاه تهران.
- عرفانی فر، داوود (1397). سیمولوژی تحجّر. قم: نشر معارف.
- عضدانلو، حمید (1384). آشنایی با مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی. تهران: نی.

814 ♦ چالشها و پیامدهای تحجّر علمی از دیدگاه مقام معظم رهبری ...

- علی پورگرگی، محمود (1390). «پرسی آزادی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری». مطالعات انقلاب اسلامی، سال هشتم، ش 26: 199-226.
- علی تبار فیروزجائی، رمضان (1390). فهم دین. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- علیرزاده اقدم، محمدباقر؛ محمد عباسزاده، عسل شیشوانی و مینا تجویدی (1390). «پرسی تبیین‌کننده‌های پایبندی به اخلاق علمی در بین اعضای هیئت علمی». سیاست علم و فناوری، سال سوم، ش 4: 57-69.
- فرامرز قراملکی، احد (1383). «خاستگاه اخلاق پژوهش». آینه میراث، دوره جدید، ش 27: 17-7.
- فرامرز قراملکی، احد (1387). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی، سرآمد.
- فرانکنا، ویلیام کی (1376). فلسفه اخلاق. ترجمه هادی صادقی. قم: طه.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (1421 ق). کتاب العین. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- فلاح، رستم (1395). جستارهایی در اخلاق پژوهش. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چ دوم.
- فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (1415 ق). القاموس المحیط. بیروت: دار الکتب العلمیه.
- قاراخانی، معصومه و سید آیت‌الله میرزایی (1397). اخلاق علم در علوم اجتماعی ایران. تهران، دفتر سیاستگذاری و برنامه‌ریزی فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، چ دوم.
- قرشی، علی اکبر (1371). قاموس قرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ ششم.
- کلینی، محمد بن یعقوب (1407 ق). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه، چ چهارم.
- گلی زواره، غلامرضا (1385). جغرافیای جهان اسلام. قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
- لازمی، جان (1362). درآمدی تاریخی به فلسفه علم. ترجمه علی پایا. تهران: نشر دانشگاهی.
- لاکاتوش، ایمره (1375). علم و شبه‌علم: دیدگاهها و برهانها: مقاله‌هایی در فلسفه علم و فلسفه ریاضی. گردآوری و ترجمه شاپور اعتماد. تهران: نشر مرکزی.
- لنوار، نوئل (1376). «اخلاق علم: بین انسان‌گرایی و نوین‌گرایی». ترجمه علی صباغیان. رهیافت، ش 17: 122-98.
- لوبون، گوستاو (1378). تاریخ تمدن اسلام و عرب. ترجمه سید هاشم حسینی رسولی. [بی‌جا]: کتابچی.
- مصباح یزدی، محمدتقی (1394). آموزش فلسفه. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی، چ چهارم.
- مصطفوی، حسن (1360). التحقیق فی کلمات القرآن. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- مطهری، مرتضی (1385). مجموعه آثار. تهران: صدرا، چ ششم.
- مطهری، مرتضی (1386). مجموعه آثار. تهران: صدرا، چ چهارم.
- مطهری، مرتضی (1387). مجموعه آثار. تهران: صدرا، چ سیزدهم.
- مطهری، مرتضی (1368). نهضت‌های اسلامی در صد ساله اخیر. تهران: صدرا.

- معین، محمد (1382). فرهنگ معین. تهران: امیر کبیر.
- مقیمی، سید محمد (1380). سازمان و مدیریت، رویکردی پژوهشی. تهران: ترمه، چ دوم.
- مهدوی‌زادگان، داوود (1380). «تجربگرایی مدرن». قیاسات: ش 22.
- نصر، سید حسین (1385). اسلام و تنگناهای انسان متجدد. ترجمه انشاءالله رحمتی. تهران: دفتر پژوهش و نشر سهروردی، چ دوم.
- نصر، سید حسین (1377/الف). «جهان‌بینی اسلامی و علم جدید». ترجمه ضیاء تاج‌الدین. فرهنگ، ش 30.
- نصر، سید حسین (1377/ب). نظر متفکران اسلامی درباره طبیعت. تهران: خوارزمی، چ چهارم.
- نوایی، علی‌اکبر (1390). «تجربگرایی در گستره تاریخی از منظر شهید مطهری». پژوهشهای اجتماعی اسلامی، ش 3-28:90.
- وبر، ماکس (1382). دین، قدرت، جامعه. ترجمه احمد تدین. تهران: هرمس.
- هیوم، دیوید (1377). تحقیق در مبادی اخلاق. ترجمه رضا نقییان ورنه. تهران: گویا.
- www.khamenei.ir
- **The Holy Quran.**
- Anderson, M.S. & K.S. Louise (1994). "The Graduate Student Experience and Subscription to the Norms of Science". *Research in Higher Education*, Vol 35: 273-299.
- Baker, T.L. (1998). **Doing Social Research**. New York: McGraw-Hill Book.
- A Group of Authors (2002). **Religion and Religiosity in the Present Age**. Tehran: Imam Hussein University, Printing and Publishing Institute.
- A Group of Authors (2011). **Research Ethics (Principles and Issues) by Mohsen Javadi**. Tehran: Institute of Humanities and Cultural Studies.
- Abolghasemi, Mohammad Javad (2005). **Cognition of Culture**. Tehran: Arshpajoo.
- Afshar Kahan, Javad (2004). **Sociological Re-Reading of Traditionalism and Modernism in Iran between the two Revolutions**. Tehran: Avae Noor Publications.
- Ahmadi Moghim, Abbas (2008). **Entrepreneurship**. Hamedan: Hegmataneh Comprehensive Publications, Second Edition.
- Air, A.J. (No Date). **Language, Truth and Logic**. Translated by Manouchehr Bozorgmehr. Tehran: Sharif University of Technology.
- Ajini, Mohsen (1990). **Eclecticism and Petrification from the Viewpoint of Shahid Motahari**. Tehran: Islamic Propaganda Organization.
- Aliatbar Firoozjaei, Ramadan (2011). **Understanding Religion**. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.

- Alipour Gorji, Mahmoud (2011). "**Study of Freedom in the Political Thought of the Supreme Leader**". *Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies*, Year 8, No. 26: 199-226.
- Alizadeh Aghdam, Mohammad Baqer; Mohammad Abbaszadeh, Asal Shishvani & Mina Tajvidi (2011). "**Study of Determinants of Adherence to Scientific Ethics among Faculty Members**". *Quarterly Journal of Science and Technology Policy*, Year 3, Issue 4: 57-69.
- Anwari, Hassan (2002). **Farhang Bozorg Sokhan**. Tehran: Sokhoneh.
- Asghari, Mahmoud (2011). "**Pests and Consequences of Petrification**". *Islamic Social Research*, No. 90: 75-92.
- Ashouri, Dariush (2001). **Definitions and Concept of Culture**. Tehran: Agah.
- Atkinson, R.F. (1990). **Introduction to the Philosophy of Ethics**. Translated by Sohrab Alavinia. Tehran: Book Translation and Publishing Center.
- Azdanloo, Hamid (2005). **Introduction to the Basic Concepts of Sociology**. Tehran: Ney Publishing.
- Bagheri, Khosrow (2005). **A New Look at Islamic Education**. Tehran: Madrasa Publications.
- Bashirieh, Hossein (1999). **History of Political Thought in the Twentieth Century**. Tehran: Ney Publishing.
- Bern, Ag. & William Fielding (2001). **Sociology**. Translated by A.H. Arianpour. Tehran: Wide Publication.
- Chalmers, Allen F. (1995). **What is Science, an Introduction to the Schools of Philosophical Science**. Translated by Saeed Zibakalam. Tehran: Scientific and Cultural Publications.
- Dehkhoda, Ali Akbar (1998). **Dictionary**. Tehran: Tehran University, Publishing and Printing Institute, Rozaneh.
- Erfanifar, Davood (2018). **Simology of Petrification**. Qom: Maaref Publishing.
- Esfandiari, Mohammad (2003). **Depression and Stagnation**. Second Edition. Qom: Sahife Kherad Publications.
- Fallah, Rostam (2016). **Essays in Research Ethics**. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies, Second Edition.
- Farahidi, Khalil Ibn Ahmad (2000). **Kitab al-Ain**. Beirut: Dar Al-Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Faramarz Gharamaleki, Ahad (2004). "**The Origin of Research Ethics**". *The Mirror of the Heritage of the New Era*, No. 27: 7-17.
- Faramarz Gharamaleki, Ahad (2008). **Introduction to Professional Ethics**. Tehran: Institute of Productivity Studies and Human Resources, Saramad Publications.
- Firoozabadi, Mohammad Ibn Ya'qub (1994). **Al-Qamoos Al-Muhit**. Beirut: Dar Al-Kitab Al-Elmiyeh.

- Frankenna, William. Kay (1997). **Philosophy of Ethics**. Translated by Hadi Sadeghi. Qom: Taha.
- Ghareshi, Ali Akbar (1992). **Quran Dictionary**. Tehran: Islamic Books House, Sixth Edition.
- Goli Zavareh, Gholamreza (2006). **Geography of the Islamic World**. Qom: Imam Khomeini Research and Training Institute Publications.
- Haeri Yazdi, Mehdi (1982). **Exploration of Practical Reason**. Tehran: Institute of Cultural Studies and Research.
- Hasani, Abolhassan (2019). **"Islamic Culture System"**. *The Intellectual System of S.A Khamenei*. Under the Supervision of Abdolhossein Khosropanah. Tehran: Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought, Fifth Edition.
- Hasani, Seyed Hamidreza & et al. (2011). **Religious Science, Perspectives and Considerations**. Qom: Research Center and University.
- Hor Ameli, Mohammad Ibn Hassan (1997). **Important Chapters**. Research by Mohammad Hussein Ghaeni. Qom: Imam Reza(AS) Institute of Islamic Studies.
- Hoseini Khamenei, Seyyed Ali (1998). **"Freedom from the Perspective of Islam and the West"**. *Social Research- Islamic*, No. 14: 13-41.
- Hoseini Khamenei, Seyyed Ali (2010). **"Pure Points"**. *Excerpts of Statements of the Wise Leader of the Revolution among Students and Academics, Vol. 4*. Qom: Maaref Publishing Office, Representation of the Supreme Leader in Universities, 10th Edition.
- Hume, David (1998). **Research in the Principles of Ethics**. Translated by Reza Naghian Varzaneh. Tehran: Goya.
- Ibn Fares, Ahmad Ibn Faris (1983). **Dictionary of Comparative Language**. Edited by Harun Abdul Salam Muhammad. Qom: Islamic Media School.
- Ibn Manzur, Muhammad ibn Makram (1993). **Arabic Language**. Beirut: Dar Sader.
- Iqbal, Mozaffar (2011). **Islam, Muslim Science and Technology. Conversation of Dr. Seyed Hossein Nasr with Dr. Mozaffar Iqbal**. Translated by Seyed Amir Hossein Asghari. Tehran: Information.
- Jafari, Mohammad Taghi (2013). **Collection of Works 3 (Study of the Thoughts of David Hume and Bertrand Russell)**. Tehran: Allameh Jafari Publishing House.
- Jafari, Yaghoub (2003). **Muslims in the Context of History**. Tehran: Islamic Culture Publishing Office, Fifth Edition.
- Javadi Amoli, Abdullah (2005). **Epistemology in the Quran**. Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdullah (2007). **Source of Thought**, Vol. 4. Edited by Abbas Rahimian. Qom: Esra Publishing Center.
- Javadi Amoli, Abdullah (2008). **Thematic Interpretation, Stages of Ethics in the Holy Quran**. Qom: Captivity.

- Javadi, Mohsen (1996). **The Issue of must and is"**. Qom: Qom Seminary Islamic Propaganda Office.
- Javadpour, Gholam Hossein (2017). **The Ethical Nature of Knowledge: Measurement, Attitudes, Perspectives of Writings**. Qom: Seminary and University Research Institute, Mashhad: Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation.
- Khaki Gharamolki, Mohammad Reza (2010). **Analysis of the Identity of Religious Science and Modern Science**. Qom: Farda Book Publishing.
- Khatibi Kushkak, Mohammad (2005). **"Party and Political Petrification"**. *Hassoun Magazine*, No. 6: 150-164.
- Khosropanah, Abdolhossein (2013). **Production and Development of Islamic Humanities**. Tehran: Research Institute of Iranian Wisdom and Philosophy.
- Khosropanah, Abdolhossein (2014). **In Search of Islamic Humanities: Analysis of Theories of Religious Science and Testing the Judicial-Ijtihad Model in the Production of Islamic Humanities**. Qom: Maaref Publishing Office.
- Kolini, Mohammad Ibn Yaqub (1987). **Sufficient Principles**. Tehran: Islamic Library, fourth edition.
- Lakatosh, Imreh (1996). **Science and Pseudoscience; Perspectives and Arguments: Articles in Philosophy of Science and Philosophy of Mathematics**. Compiled and Translated by Shapur Etemad. Tehran: Markazi Publishing.
- Lazi, Jan (1983). **A Historical Introduction to the Philosophy of Science**. Translated by Ali Paya. Tehran: University Press.
- Lenvar, Noel (1997). **"Ethics of Science: Between Humanism and Modernism"**. Translated by Ali Sabbaghian. *Approach Scientific Quarterly*, No. 17: 98-122.
- Lubon, Gustav (1999). **History of Islamic and Arab Civilization**. Translated by Seyyed Hashem Hosseini Rasouli. Bija: Ketabchi Publications.
- Mahdavidadegan, Davood (2001). **"Modern Petrification"**. *Ghabsat Magazine*, No. 22.
- Mesbah Yazdi, Mohammad Taghi (2015). **Philosophy Education**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute, Fourth Edition.
- Moein, Mohammad (2003). **Moein Persian Dictionary**. Tehran: Amir Kabir.
- Moghimi, Seyed Mohammad (2001). **Organization and Management. Research Approach**. Tehran: Termeh Publications, Second Edition.
- Mostafavi, Hasan (1981). **Research in the Words of the Qur'an**. Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Motahhari, Morteza (2006). **Collection of Works**. Tehran: Sadra Publications, Sixth Edition.

- Motahhari, Morteza (2007). **Collection of Works**. Tehran: Sadra Publications, Fourth Edition.
- Motahhari, Morteza (2008). **Collection of Works**. Tehran: Sadra Publications, 13th Edition.
- Motahhari, Morteza (1989). **Islamic Movements in the Last Hundred Years**. Tehran: Sadra Publications.
- Nasr, Seyyed Hossein (2006). **Islam and the Straits of Modern Man**. Translated by Insha'Allah Rahmati. Tehran: Suhrawardi Research and Publication Office, second edition.
- Nasr, Seyyed Hossein, (1998). "**Islamic Worldview and Modern Science**". Translated by Zia Tajuddin, Farhang Quarterly, Vol.
- Nasr, Seyed Hossein (1998). **Islamic Thinkers' Views on Nature**. Fourth Edition. Tehran: Kharazmi.
- Navai, Ali Akbar (2011). "**Petrification in the Historical Context from the Perspective of Shahid Motahhari**". *Islamic Social Research*, No. 90: 3-28.
- Pahlavan, Genghis (1999). **Cultural Studies (Discourses in the Field of Culture and Civilization)**. Tehran: Payam-e-Amrooz.
- Parsania, Hamid (2004). **Science and Philosophy**. Tehran: Publications of the Institute of Islamic Culture and Thought.
- Parsania, Hamid (2006). **Tradition, Ideology, Science**. Qom: Bustan Ketab Institute.
- Qarakhani, Masoumeh & Seyed Ayatollah Mirzaei (2018). **Ethics of Science in Social Sciences of Iran**. Tehran: Cultural and Social Policy and Planning Office of the Ministry of Science, Research and Technology, Second Edition.
- Ragheb Isfahani, Hussein Ibn Mohammad (1991). **Al-Mufradat**. Research of Safwan Adnan Davoodi. Beirut: Dar Al-Alam Al-Dar Al-Shamiya.
- Rasink, David B. (2013). **Ethics of Science**. Translated by Mostafa Taghavi and Mahboubeh Morshedian. Qom: Maaref Publishing.
- Rhine, Allen (1991). **Philosophy of Social Sciences**. Translation by Abdolkarim Soroush. Tehran: Sarat.
- Richards, Stewart (1994). "**Science and Society, The Ethical Dimension of Science**". Translated by Fazel Larijani. *Rahyafat Magazine*, No. 6: 68-73.
- Sadeghi, Hadi (2007). **The Rationality of Faith**. Qom: Taha Book.
- Sadeghi Rashad, Ali Akbar (2003). **The Logic of Understanding Religion**. Tehran: Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Sahebi, Mohammad Javad (2005). **The Relationship between Religion and Culture in Iranian Society (Collection of Articles)**. Tehran: Printing and Publishing Organization of the Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Salavati, Mahmoud (2000). **Stagnation and Violence: A Study of the Kharijite Current in Nahj al-Balaghah**. Tehran: Zikr.
- Salimi, Mostafa (2005). **Superstitions of Religious Petrification and Modernity**. Tehran: Mehr Ryan.

- Samad Aghaei, Jalil (2006). **Creativity, the Essence of Entrepreneurship**. Vol. 2. Tehran: Tehran University Press.
- Shakerin, Hamidreza (2011). **Sources and Presuppositions of Understanding Religion**. Tehran, Research Institute of Islamic Culture and Thought.
- Shamo, Adil & David Raznik (2015). **The Place of Ethics in Scientific Research**. Translated by Abbas Kardan. Tehran: Research Institute for Cultural and Social Studies.
- Sheikh Rezaei, Hossein & Amir Ehsan Karbasizadeh (2012). **Introduction to the Philosophy of Science**. Tehran: Hermes Publications.
- Shirkhani Ali & Mohammad Rajaeinejad (2013). **"Petrification and Petrification in the Intellectual System of Imam Khomeini (P.B.U.H)"**. *Transcendent Politics*, No. 3: 61-80.
- Silani, Ali Akbar (2017). **An Introduction to the Political Philosophy of the Supreme Leader**. Qom: Imam Khomeini Educational and Research Institute Publications.
- Soroush, Abdolkarim (1982). **Knowledge and Value**. Tehran: Yaran Publications, eighth edition.
- Soroush, Abdolkarim (2009). **Tafraja Sana'a (Discourses on Ethics, Industry and Humanities)**. Tehran: Sarat Publications.
- Soroush, Abdul Karim (1996). **What is Science, What is Philosophy?**. Tehran: Serat Publications.
- Weber, Max (2003). **Religion, Power, Society**. Translated by Ahmad Tadayyon. Tehran: Hermes.
- Zamakhshari, Mahmoud Ibn Omar (1979). **Asas al-Balaghah**. Beirut: Dar Sader.
- Zouelm, Ali (2000). **"Anti-Reform and Petrification in the View of Master Motahhari"**. *Book of Criticism*, 16: 311-292.
- Zouelm, Ali (2003). **"Islamic Revolution, Petrification and Tradition"**. *Book of Criticism*, 26-27: 11-30.
- Zubaydi, Muhammad ibn Muhammad (1993). **The Crown of the Bride from the Jewel of the Dictionary**. Corrected by Ali Shiri. Beirut: Dar al-Fikr.

